

مدل چند وجهی سیستم های ازدواج و خانواده



مدل چند وجهی سیستم های ازدواج و خانواده در ابتدا برای
پر کردن خلا موجود بین **تحقیق**، **نظریه** و **عمل** توسط
اولسون، **راسل** و **اسپرانگل** در سال 1989 شکل گرفت.
در طی چندین سال این مدل و ابزار های سنجش آن تغییر
یافته و نسخه های جدیدی از آن مطرح شده است.
مدل چند وجهی برای **تشخیص رابطه** مفید است.

این مدل (چند وجهی سیستم های ازدواج و خانواده):

بر نظام رابطه تاکید دارد.

ابعاد انسجام، انعطاف پذیری و ارتباط خانوادگی را تلفیق میکند.

این سه بعد از خوشه بندی بیش از 50 مفهوم توصیف کننده پویایی های زوج و خانواده بدست آمده است.

وضعیت خانواده را بر روی نقشه خانواده و زوج نشان می دهد.

در این مدل برای درک عملکرد خانواده به سه بعد توجه شده است:

1- انسجام خانواده: انسجام عبارت است از پیوندهای عاطفی و هیجانی است که اعضا نسبت به یکدیگر دارند.

انسجام نشانگر آن است که چگونه سیستم خانواده بین جدایی و با هم بودن تعادل برقرار می کند. برخی از مفاهیم و متغیرهایی که برای تشخیص و سنجش انسجام خانواده بکار می رود عبارتند از:

پیوندهای عاطفی، مرزها، ائتلاف ها، زمان، فضا، دوستان، تصمیم گیری، علائق و تفریحات مشترک.

2- انعطاف پذیری:

انعطاف پذیری عبارت از کیفیت و نحوه رهبری و سازماندهی، روابط نقشی و قواعد ارتباطی و توافق و مذاکره است. تاکید انعطاف پذیری بر آن است که چگونه سیستم خانواده بین ثبات و تغییر تعادل ایجاد می کند. مفاهیم مربوط به تشخیص و سنجش انعطاف پذیری عبارتند از:

رهبری (کنترل و نظم)، سبک های گفتگو و مذاکره، روابط نقشی و قواعد رابطه

3-ارتباط:

مهارت های ارتباطی مثبت در سیستم خانواده به عنوان بعد تسهیل گر در نظر گرفته می شود. این مهارت ها به خانواده کمک می کند تا نسبت به سطح انسجام و انعطاف پذیری خود آگاه شده و آن را تغییر دهند.

مهارت های ارتباطی مثبت به سیستم خانواده در تسهیل و حفظ تعادل در هر دو بعد کمک می کند. برعکس مهارت های ارتباطی ضعیف، حرکت به سمت عدم تعادل را تشدید کرده و احتمال ماندن خانواده در سطوح افراطی را افزایش می دهد.

مفاهیم مرتبط با ارتباط عبارتند از:

- الف: مهارت های گوش دادن شامل گوش دادن فعال همراه با توجه و همدلی
- ب: مهارت های صحبت کردن شامل صحبت با یک نفر و صحبت نکردن با دیگران
- ج: خود افشایی شامل بیان احساسات در مورد خود و رابطه
- د: تداوم ارتباط شامل ماندن بر سر موضوع
- ه: احترام و توجه شامل توجه به جنبه های عاطفی ارتباط

هر یک از ابعاد انسجام و انعطاف پذیری به صورت یک طیف در نظر گرفته می شوند.

دو حد انتهایی این طیف افراطی و بخش میانی آن متعادل است.

در زوج ها و خانواده هایی که از نظر انسجام متعادل هستند، اعضای خانواده **استقلال** و **تعلق** را تجربه می کنند.

تعادل در انعطاف پذیری به معنای حفظ ثبات در سیستم خانواده و در عین حال آمادگی برای تغییر در موارد ضروری است.

حالت افراطی این دو بعد ممکن است در مراحل خاصی از چرخه زندگی یا شرایط استرس زا مناسب باشد، ولی در صورتی که خانواده در حالت افراطی ماندگار شود، مشکل ساز خواهد شد.

به گفته ی اولسون و گورال از مدل چند وجهی می توان سه فرضیه استنتاج نمود و با استفاده از آنها مدل را ارزیابی نمود.

فرضیه اول: زوج ها و خانواده های متعادل عموماً عملکرد بهتری در طول چرخه زندگی خانوادگی دارند.

فرضیه دوم: مهارت های ارتباط مثبت به زوج ها و خانواده های متعادل کمک می کند که سطح انسجام و انعطاف خود را تغییر دهند.

فرضیه سوم: زوج ها و خانواده ها می توانند برای مواجهه موثر با استرس موقعیتی و تغییرات رشدی در طی چرخه زندگی خانوادگی، سطح انسجام و یا انعطاف خود را تغییر داده و اصلاح کنند.

در واقع این فرضیه به ظرفیت خانواده برای تغییر مرتبه دوم اشاره می کند.

فرض بر این است که تغییر مرتبه دوم برای حفظ و بهبود عملکرد زوج و خانواده سودمند است.

مدل چند وجهی مدل **پویایی** است زیرا پیش بینی می کند که خانواده ها سطوح **انسجام** و **انعطاف پذیری** و در نتیجه سیستم خود را تغییر خواهند داد و اینکه تغییر برای حفظ و عملکرد خانواده مفید است. وقتی یکی از اعضا نیاز به تغییر داشته باشد، این سیستم خانواده است که باید به او پاسخگو باشد. در غیر این صورت استرس و نارضایتی در کل خانواده افزایش می یابد.

سطوح انسجام:

بی تفاوت

منسجم متعادل

در هم آمیخته

انعطاف پذیری:

خشک

انعطاف پذیری متعادل

آشفته

بادر نظر گرفتن این سطوح **شش نوع خانواده** مشخص شد. (براساس تحلیل خوشه ای)

سیستم های خانواده ی **نامتعادل** لزوماً **ناکارآمد** نیستند و در این زمینه باید مخصوصاً به **بافت فرهنگی و هنجارها** توجه داشت.

انواع خانواده:

1- خانواده های متعادل

عملکرد این خانواده ها **سالم** است. به بهترین صورت با **استرس های زندگی** روزمره و استرس های ناشی از چرخه ی زندگی می توانند برخورد کنند. در هر دو بعد انسجام و انعطاف پذیری، در سطح **متعادل** قرار دارند

2- منسجم خشک

میزان نزدیکی **عاطفی** و **خشکی** در این خانواده ها بالاست. به دلیل بالا بودن نزدیکی عاطفی، عملکرد خوبی دارند. در عین حال چون خشک غیر قابل انعطاف هستند، ممکن است مشکلاتی در رابطه با تغییرات رشدی و موقعیتی داشته باشند.

3- حد متوسط

این خانواده ها نمره متوسطی در همه زیر مقیاس ها کسب می کنند و عملکرد آنها مناسب است.

4-نا متعادل انعطاف پذیر

میزان **انسجام** در این خانواده ها **متوسط** یا **کم** است و همین موضوع باعث عملکرد مشکل زا در این خانواده ها است. در عین حال چون نمره انعطاف پذیری بالا است، در شرایطی که با تغییر مواجه می شوند، قادر به تغییر هستند. تشخیص این نوع خانواده ها اندکی مشکل است.

5-بی تفاوت آشفته

در حالیکه **بی تفاوتی** و **آشفته‌گی** در این خانواده ها زیاد است، میزان در **هم آمیختگی** و **خشکی** کم است. این خانواده ها با مشکلات زیادی مواجه هستند. چون پیوند عاطفی ندارند، بی تفاوتی آنها زیاد است و چون آشفته‌گی در این خانواده ها به وفور مشاهده می شود، تغییرات مشکل زای زیادی نیز دارند و تا حدودی به خانواده های نامتعادل شبیه هستند.

6-خانواده های نامتعادل

این خانواده ها در عملکرد کلی خود با مشکلی مواجه می شوند و بیشتر از انواع دیگر خانواده برای **درمان** مراجعه می کنند. نمرات آنها در تمام زیر مقیاس های نامتعادل، بالا است.

سبک های والدینی و مدل چند وجهی

دو جنبه ی اصلی از رفتار والدین: حمایت والدین و کنترل والدین

حمایت به میزان **مراقبت**، **نزدیکی** و **مهربانی** اطلاق می شود که والدین نشان می دهند و به **انسجام** در مدل چند وجهی شبیه است.

کنترل به میزان **انعطاف پذیری** والدین در اجرای **قوانین** و **مقررات** توسط فرزند، اطلاق شده و شبیه بعد **انعطاف پذیری** در مدل چند وجهی است.

بین کنترل و رفتار مثبت کودک رابطه منحنی وجود دارد.

این ارتباط از فرضیه ارتباط منحنی در مدل چند وجهی، حمایت می کند و می گوید کودکانی که مشکلات زیادی دارند به خانواده های **نامتعادل** تعلق دارند.

چهار سبک فرزند پروری یعنی سبک
مقتدر، مستبد، سهل گیر و طرد کننده وجود دارد.

با توجه به مدل چند وجهی می توان یک سبک دیگر والدینی یعنی
سبک بی تفاوت (غیر درگیر) را به این فهرست افزود.
در این سبک انعطاف پذیری والدین زیاد و انسجام آنها کم است.

1- سبک والدینی مستبد:

این سبک، در بعد انعطاف پذیری در سطح خشک و در بعد انسجام در سطح در هم آمیخته قرار دارد. در این سبک، والدین قوانین و انتظارات خشکی دارند و در اجرای آنها سختگیری می کنند و از فرزندان انتظار فرمانبرداری دارند. هر چه والدین مستبد تر باشند، خانواده به سمت سبک نامتعادل و در هم آمیخته خشک، پیش می رود. این سبک می تواند برای **نوجوانان** مشکل ساز باشد. فرزندان این والدین، **زودرنج، تندخو، بداخلاق، غمگین و ناشاد** و در عین حال نسبت به **استرس آسیب پذیر بوده** و رفتارهای **خصمانه** از خود نشان می دهند.

2- سبک والدینی سهل گیر:

در این خانواده ها هرج و مرج و در هم آمیختگی زیاد است. انتظارات فرزندان بر انتظارات والدین مقدم است. فشاری بر روی فرزندان، برای رعایت قوانین وجود ندارد. بیشتر فرزند سالاری حکم فرما است. هر چه سبک والدینی سهل گیر تر شود، خانواده به سبک در هم آمیخته آشفته بیشتر پیش می رود. این سبک از آن جهت مشکل زا است که تغییرات دائمی بوده و تاکید بر باهم بودن زیاد است. فرزندان، **رفتار تکانشی_پرخاشگری** نشان می دهند و **سرکش، سلطه جو و مستبدانه** و معمولاً **موفق نیستند**.

3-سبک والدینی طرد کننده

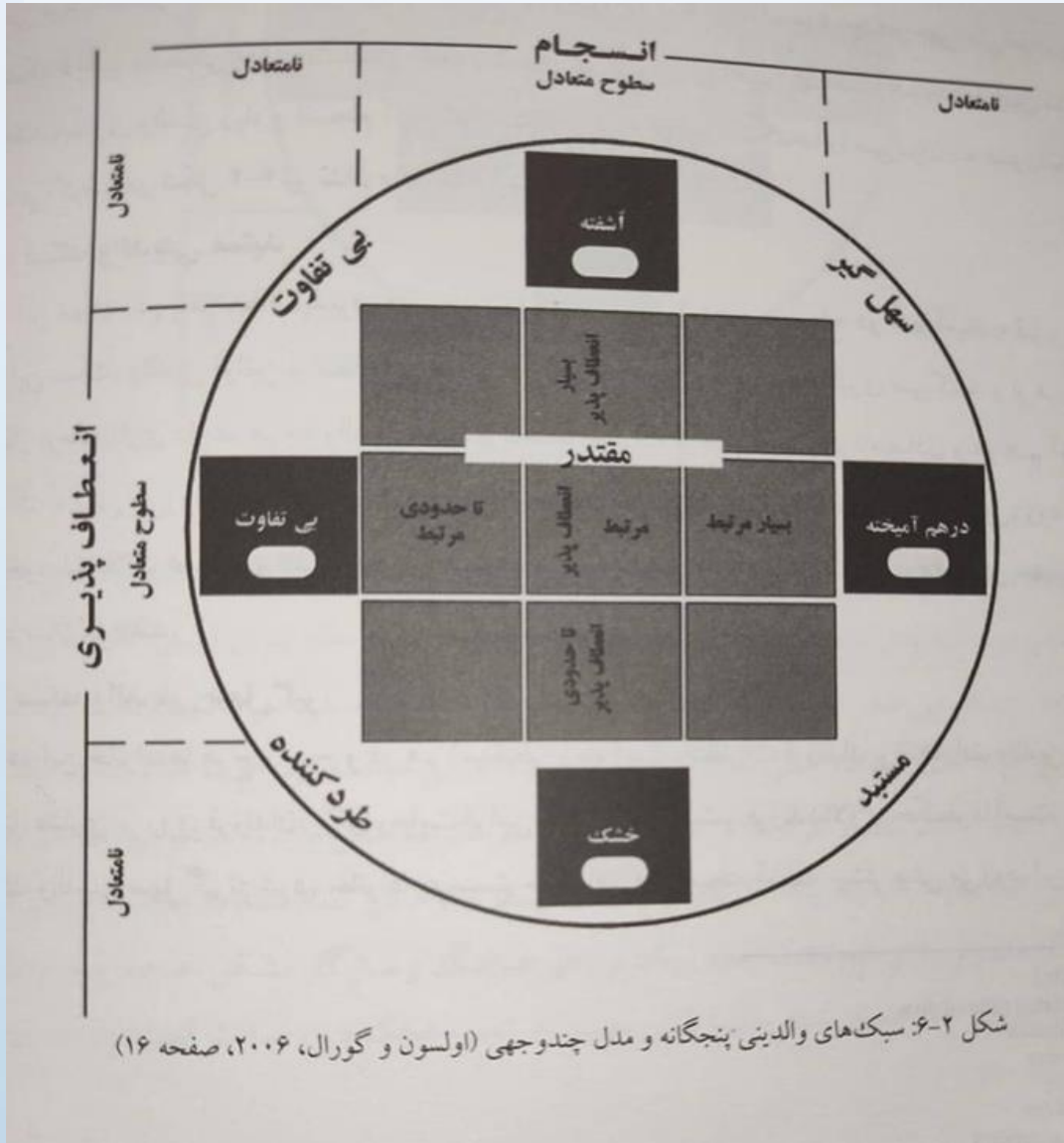
این سبک والدینی در خانواده هایی دیده می شود که در آنها خشکی و بی تفاوتی بالاست. این والدین توجه کافی به نیاز فرزندان ندارند و انتظارات والدین متناسب با رفتار و توان فرزند نیست. فرزند احساس امنیت و مراقبت نمی کند. هر چه سبک والدینی طرد کننده تر باشد، خانواده بیشتر به سمت سبک بی تفاوت خشک، پیش می رود. قوانین زیادی در این خانواده ها وجود دارد که انتظار می رود فرزند آنها را انجام دهد. در نتیجه فرزندان این خانواده ها اغلب ناپخته اند و مشکلات روانشناختی دارند.

4-سبک والدینی بی تفاوت

این سبک والدینی در خانواده هایی وجود دارد که در آنها آشفتگی و بی تفاوتی بالا است. این والدین، فرزندان خود را فراموش کرده و از آنها غافل شده و فرزندان به حال خود واگذار می شوند. هر چه والدین بی تفاوت تر باشند، خانواده ها به سمت الگوی بی تفاوت آشفته، پیش می رود. این سبک از آنجا مشکل ساز است که فرزندان به حال خود واگذار شده و حمایت عاطفی نمی شوند. قوانین و انتظارات هماهنگ وجود ندارد. فرزندان این خانواده ها اغلب گوشه گیر و منزوی هستند.

5- سبک والدینی مقتدر

این سبک والدینی در خانواده های متعادل دیده می شود و در بعد انسجام و انعطاف پذیری در سطح متعادل هستند. والدین، قوانین روشنی وضع کرده و انتظارات آنها مشخص است و درباره قواعد و انتظارات، با فرزند خود صحبت می کنند. با آنکه نظر فرزند خود را می دانند، ولی در اجرای استانداردها از توجیه و قدرت استفاده می کنند. فرزندان این خانواده ها از نظر هیجانی سالم بوده، شاد هستند و در تحصیل و زندگی موفق می شوند. رفتاری دوستانه و پر انرژی دارند و سرحال، بشاش و به خود متکی هستند. به خوبی با استرس مقابله می کنند و پیشرفت مدار هستند.



طبقه بندی زوج ها در مدل چند وجهی

بر اساس چهارچوب نظری مدل چندوجهی، همسران باید بین سطوح جدایی/باهم بودن در بعد انسجام و سطوح ثبات/تغییر در بعد انعطاف پذیری تعادل برقرار کنند.

این سطوح پویا بوده و همسران می توانند در طی زمان در آنها تغییر ایجاد کنند.

این مدل با طبقه بندی زوج ها، می تواند وضعیت زوج هایی را که قصد ازدواج دارند پیش بینی کند.

زوج‌هایی که در مرحله قبل از ازدواج هستند و برای ازدواج آماده می‌شوند و یا زوج‌هایی که ازدواج کرده‌اند به پنج طبقه تقسیم می‌شوند:

1-زوج های شاد و سرزنده

اینها شادترین زوج‌ها هستند. رابطه آنها بسیار محکم است و توافق زوجی آنها مثبت و زیاد است. زوج‌های شاد بیشترین درصد ازدواج کرده‌ها را تشکیل داده و در ازدواج باقی می‌مانند. درصد کمی از زوج‌هایی که متارکه کرده یا طلاق گرفته‌اند شامل این گروه از زوج‌ها می‌شود.

2-زوج های هماهنگ

استحکام در زندگی این زوج‌ها زیاد است، ولی سرزندگی در آنها کم است، ولی سرزندگی در آنها کم است. توافق بین همسران در بسیاری وجود دارد.

3-زوج های سنتی

رابطه این زوج ها بسیار قوی و محکم است.نقش های سنتی و باورهای کلیشه ای در مورد نقش ها،عامل ثبات زندگی در این زوجهاست.پویایی های بین فردی در این زوج ها کم است.از نظر شخصیتی،ارتباطی و حل تعارض،مشکلاتی در این گروه از زوج ها وجود دارد.

4-زوج های متعارض

استحکام رابطه در این زوج ها کم است.ارتباط و حل تعارض در آنها ضعیف است.غالبا رابطه زوج های متعارض در مرحله قبل از ازدواج قطع می شود و زوج هایی که ازدواج کرده اند،به دنبال درمان هستند.

5-زوج های درمانده

این زوج ها در تمام زمینه های ارتباطی مشکل دارند.آنها ناخشنود هستند و استحکام رابطه در آنها بسیار کم است.این زوج ها بیشتر به دنبال درمان هستند.

تحلیل و بررسی مدل چند وجهی سیستم های ازدواج و خانواده

این مدل به طور خاص برای پژوهش در حیطه ی خانواده، سنجش بالینی، برنامه ریزی درمان و بررسی پیامدهای زوج درمانی و خانواده درمانی طراحی شده است.

می توان گفت بعد **انعطاف پذیری** در مدل چند وجهی به ابعاد کنترل رفتاری و حل مسئله و نقش حفظ و مدیریت سیستم خانوادگی در مدل مک مستر و به بعد کفایت در مدل بیورز شباهت دارد. **بعد انسجام** در این مدل نیز به بعد دخالت عاطفی در مدل مک مستر و بعد سبک در مدل بیورز شبیه است. **بعد ارتباط** در مدل چندوجهی مشابه ابعاد ارتباط و پاسخگویی عاطفی در مدل مک مستر است. مفاهیمی که مدل چند وجهی در بعد ارتباط بر آنها تاکید دارد به طور مشخص، کمتر در مدل بیورز دیده می شود. در **بعد کفایت** به توانایی گفتگو اشاره دارد که تا حدی می تواند به نوع ارتباط افراد خانواده مربوط شود. به گفته اولسون و گورال یکی از وجوه این مدل آن است که بین انواع روابط خانوادگی و زوجی متعادل و نامتعادل تمایز قائل می شود.